

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



معاونت پژوهش

# سروش آسمانی

شرح و تفسیر موضوعی مثنوی معنوی

جلد اوّل

تحقیق و پژوهش

محمد رضا افضلی



افضلی، محمدرضا  
سروش آسمانی: شرح و تفسیر موضوعی مثنوی معنوی [مولوی] / به اهتمام و پژوهش  
محمدرضا افضلی؛ [برای] جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمیة، معاونت پژوهش. -- قم: جامعه  
المصطفیٰ ﷺ العالمیة، ۱۳۸۸  
ج. (جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمیة، معاونت پژوهش؛ ۱۸۰)  
ISBN:978-964-195-117-9 (ج ۱) ۷۸۰۰۰ ریال  
ISBN:978-964-195-121-6 (شابک دوره) ۷۸۰۰۰ ریال  
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه.  
۱. مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. -- مثنوی -- نقد و تفسیر. ۲. شعر فارسی  
-- قرن ۷ق. -- تاریخ و نقد. الف. مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. مثنوی.  
شرح. ب. جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمیة، معاونت پژوهش. ج. عنوان. د. عنوان: مثنوی. شرح. ه.  
عنوان: شرح و تفسیر موضوعی مثنوی معنوی.  
ت ۷/ج ۱/ ۵۳۰۱ PIR  
۸۱/۳۱

### شرح و تفسیر موضوعی مثنوی معنوی (جلد اول)

مؤلف: محمدرضا افضلی

چاپ اول: ۱۳۸۸

ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ ﷺ العالمیة

صفحه‌آرایی: سبحان پرهیزگار

چاپ: امیران ● قیمت: ۷۸۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۱۵۰۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

### مراکز فروش:

- قم، میدان شهدا، خیابان حجّتیّه، روبه‌روی مدرسه حجّتیّه، فروشگاه مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ ﷺ العالمیة؛ تلفکس: ۰۲۵۱۷۷۳۰۵۱۷
- قم، بلوار محمد امین، سه‌راه سالاریه، جنب جامعه‌العلوم، فروشگاه مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ ﷺ العالمیة؛ تلفن: ۰۲۵۱۲۱۳۳۱۰۶ فکس: ۰۲۵۱۲۱۳۳۱۴۶

[www.miup.ir](http://www.miup.ir) , [www.eshop.miup.ir](http://www.eshop.miup.ir)  
E-mail: [admin@miup.ir](mailto:admin@miup.ir) , [Root@miup.ir](mailto:Root@miup.ir)

## سخن ناشر

گر شدی عطشان بحر معنوی      فرجه‌ای کن در جزیره مثنوی  
سرسی در هنر نهفته است که جز عاشقان لطیف‌اندیش، محرم نوشیدن جرعه‌ای از آن نمی‌شوند.  
هنر شعر، پرده دیگری از هنر خالق افکند و تا ابد تاج زرینی بر سخن‌سرایی بشر  
شد و چه زیباست اگر ناگزیر باید سر زلفی از سخن را با هنر، شانه زد و بومی از رخ  
یار را به تصویر کشید؛ با گوهر کلامش و با عشق‌بازی مقربان درگاهش از رخ اندیشه  
نقاب افکند و دُرّ سخن را افشان کرد.  
شعرا در طول تاریخ، مأذنان افکار و فرهنگ اقوام و ملل گوناگون بوده‌اند. غنای  
شعر پارسی زرینه‌ای بر غنای فرهنگی پارسیان بوده و هست و شاه‌بیت اشعار معنوی به  
حافظ شیرازی، عطار نیشابوری، مولانا و مثنوی معنویش رقم خورده است.  
گران‌بها اثری که در دستان گرامیتان است همتی است قابل تقدیر به قلم فاضل  
ارجمند محمدرضا افضلی که در شرح ابیات مولانا نگاشته شده است و اثری منحصر  
به فرد در شرح موضوعی مثنوی معنوی می‌باشد.  
مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وابسته به جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمية  
ضمن قدردانی از مؤلف ارجمند، این اثر را به جامعه ادبی ایران اسلامی تقدیم می‌کند.

مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
معاونت پژوهش



## فهرست

۵.....	سخن ناشر.....
۱۵.....	پیش گفتار.....
۱۵.....	مولانا کیست و چه می گوید؟.....
۱۸.....	پیش درآمد.....
۱۸.....	سروش آسمانی.....
۲۰.....	مثنوی از نگاه آفریدگار مثنوی.....
۲۱.....	مثنوی و فقر و فنای عارفانه.....
۲۱.....	مثنوی زاینده الهامات ربّانی.....
۲۵.....	۱. معرفت شناسی.....
۲۵.....	جایگاه عقل و جان.....
۲۶.....	ارزش دانش.....
۲۸.....	مقایسه‌ای میان صورت و معنا (ظاهر و باطن).....
۳۰.....	جویندهٔ حکمت و معرفت.....
۳۶.....	جایگاه و ارزش علم و حکمت.....
۳۹.....	نقدی بر فلاسفه و حکما.....
۴۰.....	دانش اهل دل و اهل تن.....
۴۱.....	تأثیر عقل و جان و عشق.....
۴۷.....	گفتمان نفس و عقل در فقر.....
۵۸.....	تأثیر نفس در عواطف عقل.....
۷۷.....	حکمت دزدان بی حکمت.....
۷۸.....	مراتب یقین.....

۷۹	.....	ویژگی یقین
۷۹	.....	ارزش یقین
۷۹	.....	ادراک حقایق و باده خوش گوار معارف
۸۳	.....	معرفت علمی و معرفت شهودی
۸۶	.....	جایگاه علم و ظن و صاحب یقین
۹۲	.....	دید آگاهان و ناآگاهان
۹۳	.....	جهان پرتکاپوی معرفت
۹۴	.....	فهم اسرارالهی نیازمند قابلیت و اهلیت است
۱۰۰	.....	رابطه عقل و روح
۱۰۱	.....	اجتهاد و نص
۱۰۲	.....	حکمت و رزق و روزی الهی
۱۰۳	.....	مراتب آگاهی و ادراک بشر
۱۰۵	.....	کوشش مقلدانه و محققانه برای کشف حقیقت
۱۰۶	.....	سطحی اندیشان غافل
۱۰۷	.....	حدشناسی در تشخیص حقایق
۱۰۸	.....	عقل دنیایی و عقل معرفت یاب
۱۱۵	.....	از جهان دو بانگ می آید به ضد
۱۱۷	.....	رسول ذوالجلال
۱۱۷	.....	با مشرب اصحاب کشف
۱۲۲	.....	خود خرد آن است کو از حق چرید
۱۲۸	.....	مراتب و جایگاه عقل
۱۲۹	.....	قسمت پنهانی و درونی وجود ما
۱۳۰	.....	مست معرفت حق
۱۳۲	.....	بینش شهودی عالی ترین مرتبه شناخت
۱۳۴	.....	عقل و عشق
۱۳۶	.....	شراب عالم غیب و مستی دیگر
۱۳۷	.....	رجحان بینش بر دانش و ارزش نسبی آگاهی ها
۱۳۸	.....	درک نقلی، درک عینی، درک عقلی
۱۳۹	.....	نقد ظاهرینان و اهل تقلید
۱۴۰	.....	نقاش اندیشه ها و امعان نظر
۱۴۱	.....	نقدی بر وهم اندیشی حکیمان مدرسه ای
۱۴۱	.....	مراتب عقل حقیقت بین
۱۴۲	.....	گوهر شب چراغ یا روح معرفت یاب



۱۴۴	..... سخن و بازگشایی در حکمت الهی
۱۴۵	..... علم و معرفت دریایی بی کرانه
۱۴۶	..... شراب معرفت
۱۴۷	..... بیان اسرار عرفانی
۱۴۹	..... معرفت شهودی و معرفت نظری
۱۵۱	..... ۲. مبدأشناسی
۱۵۱	..... سرمنزل معرفت
۱۶۱	..... توفیق ادب بندگی
۱۶۳	..... شیدایی و حیرانی
۱۶۹	..... فعل حق
۱۷۰	..... گنج مخفی
۱۷۲	..... توحید ناب
۱۷۷	..... آفتاب معرفت
۱۷۸	..... بینش توحیدی
۱۸۴	..... میناگر هستی
۱۸۵	..... شاهدی برهستی مطلق
۱۹۰	..... توحید عاشقانه و تنزیه عالمانه
۱۹۱	..... عینیت توحید و خلق گرایی
۲۰۳	..... خوب و بد آفرینش نشانه خداوندی
۲۰۴	..... مات اویم مات اویم مات او
۲۱۸	..... شراب شهود جمال حق
۲۱۹	..... جواد و بخشنده حقیقی؟
۲۲۰	..... بوگیران سبز فام
۲۲۱	..... آوای توحید
۲۲۲	..... همه در پی یک حقیقت اند
۲۲۴	..... معرفت توحیدی و خودشناسی
۲۳۳	..... هدف غایی از آفرینش بشر
۲۳۵	..... غافل نشدن از پروردگار
۲۳۶	..... معرفت توحیدی
۲۳۹	..... نگهبان بندگان صالح
۲۴۰	..... تجلی قدرت حق
۲۴۲	..... حکمت اوصاف الهی
۲۴۳	..... تابیدن نور الهی بر انسان

۲۴۷	تفسیر کلمه «الله».....
۲۴۹	کافر و طاغی هم راهی به خدا دارند.....
۲۵۱	حکمت و هدفمندی آفرینش (معارف توحیدی).....
۲۵۵	انسان عاشق محبوب حضرت حق.....
۲۶۳	نزدیک‌تر از من به من.....
۲۶۹	عنایات و الطاف حضرت حق.....
۲۷۱	حضور حضرت حق در هستی و انسان.....
۲۷۸	تجدید عهد با پیمان ازلی.....
۲۷۹	سرستان باده حقیقت و معرفت.....
۲۸۰	کیمیای تجلیات جمال الهی.....
۲۸۲	رابطه پروردگار با بندگان.....
۲۸۷	شهود ذات حق.....
۲۸۹	بنده پروری.....
۲۹۰	می معرفت.....
۲۹۱	مست تجلی حضرت حق.....
۲۹۳	حیرت عارفانه.....
۲۹۴	می معرفت و باده عشق الهی.....
۲۹۵	مناجات عاشقانه با خدا.....
۳۰۵	قهر و لطف الهی.....
۳۰۷	ذات بحت الهی.....
۳۰۸	رویاری حق و باطل.....
۳۱۲	بوی معشوق از عاشق.....
۳۱۳	حب الوطن من الایمان.....
۳۱۴	حیرت‌زدگان تجلی حق.....
۳۱۶	عدم امکان فهم حقیقت.....
۳۱۹	توصیف عاشقانه حق.....
۳۲۲	رابطه باطنی عاشق و معشوق.....
۳۳۶	عدل، عطیه الهی.....
۳۳۷	توحید حقیقی.....
۳۳۹	سرمه توحید.....
۳۴۱	شراب حلم الهی.....
۳۴۲	هستی انعکاس وجود خالق.....
۳۴۲	عجز حق ستیزان در برابر قادر متعال.....

۳۴۳	.....	پرهیز از امیال نفسانی و آرزوهای دنیایی
۳۴۴	.....	جذب عنایات و موهبت‌های الهی
۳۴۵	.....	راز سخن گفتن
۳۴۶	.....	حجاب فعل الهی
۳۴۷	.....	تأثیر کشش الهی
۳۴۸	.....	حقیقت برین
۳۵۰	.....	نجوای عاشقانه
۳۵۱	.....	هستی حقیقی و حقیقت هستی
۳۵۳	.....	جلوه‌های گوناگون قدرت حق
۳۵۵	.....	گوش امیدش پُر از لیبک بود
۳۵۶	.....	آموخته و پر دوخته
۳۵۷	.....	گوهر نفیس انسانی و تجلیات بی‌حدّ سبحانی
۳۵۸	.....	دیدن قدرت حق و شناخت
۳۶۰	.....	محو و فناء فی‌الله
۳۶۲	.....	نرد بازی پروردگار با ناهلان
۳۶۳	.....	نیایش عاشقانه
۳۶۷	.....	خیرات و شرور مطلق نیستند
۳۶۸	.....	بوی خدا
۳۶۹	.....	خدا با شماس است
۳۷۰	.....	خواهش‌های عارفانه و عاشقانه از خدا
۳۷۲	.....	مناجات بنده با پروردگار
۳۷۵	.....	نقاش ازل
۳۷۶	.....	تراوشات عشق الهی
۳۸۰	.....	تجلی‌گاه عشق
۳۸۱	.....	نظرگاه حق
۳۸۱	.....	قدرت و خلاقیت پروردگار
۳۸۳	.....	پرتو افاضات کمالیه حضرت حق
۳۸۵	.....	معیت حق با بنده و بنده آگاه با حق
۳۸۷	.....	نوازش‌های پنهانی پروردگار
۳۸۸	.....	تولید اصداد از دل یک‌دیگر
۳۸۹	.....	آگاهی پروردگار از احوال سالکان
۳۹۰	.....	نیایش و تسبیح موجودات
۳۹۱	.....	رنگ معنویت

۳۹۲	..... مست شراب ربانی
۳۹۳	..... خط حفاظتی پروردگار
۳۹۴	..... خانه غیب
۳۹۵	..... بانگ آگست
۳۹۷	..... بانگ اصداد و عدل الهی
۳۹۸	..... گفت‌وگو با مهرانگیز هستی
۴۰۲	..... سبب‌سازی و سبب‌سوزی حق
۴۰۶	..... چشش، کشش، کوشش
۴۰۸	..... سبب‌سوزی
۴۱۱	..... قبض و بسط دل
۴۱۲	..... استدراج و مکر الهی
۴۱۳	..... امتحان الهی
۴۱۶	..... استدراج، شراب قهر الهی
۴۱۸	..... هیبت و خوف الهی
۴۱۹	..... فسون الهی
۴۲۱	..... اشتیاق دیدار حق
۴۲۳	..... غیرت الهی
۴۲۵	..... آفرینش و تجدید حیات
۴۲۸	..... بوی معنویت
۴۲۹	..... سروش آسمانی
۴۳۲	..... نفحه روح‌بخش
۴۳۵	..... جود و کرم الهی
۴۳۶	..... اسم اعظم و رابطه معنوی
۴۳۹	..... آثار قلم و آثار قدم
۴۴۰	..... بخشیدن اکسیر
۴۴۲	..... ابزار هدایت
۴۴۳	..... خلوت‌گه حق
۴۴۳	..... سروش آسمانی و الهامات ربّانی
۴۴۵	..... حس نوری و نور حق
۴۴۶	..... خُم رنگ هو و شعله‌های عشق
۴۵۳	..... جلوه‌های محبت حق
۴۵۳	..... عنایت دیرپای حق
۴۵۴	..... قبض و بسط الهی

۴۵۵	نقد دهریون.....
۴۵۷	تسبیح موجودات.....
۴۵۸	وصال معشوق.....
۴۶۲	عنایت‌های غیبی.....
۴۶۷	اشتیاق عاشق به ادراک حقایق.....
۴۶۸	اتحاد حق و خلق بر مشرب وحدت وجود.....
۴۷۱	بوی سیستان وحدت وجود.....
۴۷۲	چگونگی صدور کثیر از واحد در عرصه جهان هستی.....
۴۷۵	ابتلائات و مراتب معنوی.....
۴۷۷	وحدت حقیقی و حقیقت توحید.....
۴۷۹	اتحاد عشق و عاشق و معشوق.....
۴۸۰	وحدت جوهری ادیان و مذاهب.....
۴۸۲	گلزار وحدت.....
۴۸۲	وحدت و کثرت.....
۴۹۰	وحدت وجود.....
۴۹۱	نخم‌خانه شراب وحدت و مستی باده عشق.....
۴۹۵	به سوی دریای وحدت الهی.....
۴۹۶	حدوث و قدم عالم از منظر عینیت‌گرایی عارفانه.....
۵۰۰	اتحاد عاشق و معشوق.....
۵۰۴	جبر و اختیار.....
۵۱۲	توکل جبریون.....
۵۱۹	قضا و قدر و مشیت الهی.....
۵۲۵	تقدیر الهی.....
۵۲۷	مشیت فراگیر حق.....
۵۳۰	قضای الهی.....
۵۳۳	رضا به قضای الهی و معرفت شهودی.....
۵۳۷	قضای الهی و مسئول بودن انسان.....
۵۴۰	تجلیات غیبی روح متعالی.....
۵۵۵	اختیار و مسئولیت انسان.....
۵۵۶	اقتضای قضای الهی.....
۵۵۷	شیکوه از متحجران.....
۵۵۸	غفلت و قضای الهی.....
۵۶۰	قضای الهی و دگرگونی عوامل طبیعی.....

۵۶۱	جبر و اختیار و مشیت حضرت حق
۵۷۳	قضا و قدر و مختار بودن انسان
۵۷۸	جفّ القلم بما هو کائن
۵۸۱	جبرِ خاصگان و جبرِ عامگان
۵۸۱	جبرِ خاصه
۵۸۲	عشق، درمان جبر و اختیار
۵۸۴	نقد بددلی و تردید و فتنهٔ اختیار
۵۸۵	جبرگرایی یا فرار از مسئولیت
۵۸۸	تأثیر قضای الهی در تغییرات امور این جهان
۵۸۸	سازندگی انسان‌ها
۵۸۹	راز و نیاز نی با میناگر هستی

## پیش‌گفتار

### مولانا کیست و چه می‌گوید؟

جلال‌الدین محمد، آفرینندهٔ مثنوی معنوی، انسان زمینی است که آسمانی می‌اندیشید و آسمانی زندگی می‌کرد. مولانا انسانی است که از اسرار هستی و حقیقت ما وراء این جهان، آگاهی یافته بود. او معتقد بود که خداوندگار هستی را اسراری بود، که تا پیش از خلقت انسان، هیچ‌یک از آفریدگان و حتی فرشتگان مقرب به درک آن قادر نبودند، و نقطهٔ اوج آفرینش باید در وجودی متجلی می‌شد که به درک این اسرار قادر باشد. این اسرار، به نص صریح قرآن، امانت پروردگار بود که می‌بایست به چنین موجودی سپرده شود.

از منظر مولانا، انسان، این آفریدهٔ استثنایی و برترین، ترکیبی از روح پروردگار با عنصر مادی این جهان است؛ آمیزه‌ای از نیکی و بدی، که به صورت روح کمال‌طلب و نفس دنیاپرست، همواره در ستیزند. در بسیاری از انسان‌ها، نفس دنیاطلب بر روح کمال‌طلب غلبه می‌یابد و آنها را از درک حقیقت هستی باز می‌دارد. در مقابل این اکثریت دنیا دوست، کسانی هم هستند که در راه حق گام برمی‌دارند و می‌دانند که روح آنها قطره‌ای از دریای روح مطلق است و سرانجام باید از این هستی کوچ کنند و به دریای خود بیوندند.

ما زیالاییم و بالا می‌رویم      ما زدریاییم و دریا می‌رویم  
 قُلْ تعالوا آیتی است از جذب حق      ما به جذبۀ حق تعالی می‌رویم

مولانا می‌گوید: این انسان‌ها، مردان حق‌اند که می‌کوشند تا جلوه‌های روحانی را بر جلوه‌های اهریمنی نفسانی چیره سازند و آنچه مولانا از خود و از همه انسان‌های آگاه انتظار دارد، همین کوشش و سیر و سلوک برای چیرگی روح بر نفس است.

او می‌گوید: در این نبرد، تنها سلاحی که می‌تواند روح را بر خواهش‌های نفسانی چیره سازد، معرفت و عشق است؛ جاذبه‌ای که انسان عاشق را به سوی هستی مطلق می‌کشاند. به نظر مولانا، عشق موهبتی طرفینی است و تنها از جانب انسان به پروردگار نیست، بلکه خداوند نیز بندگان عاشق را دوست می‌دارد. به نظر مولانا این جذبۀ الهی در همه هستی و کائنات جاری است:

اگر این آسمان عاشق نبودی      نبودی سینه او را صفایی  
 وگر خورشید هم عاشق نبودی      نبودی در جمال او ضیایی  
 زمین و کوه اگر نه عاشقندی      نرستی از دل هر دو گیایی  
 اگر دریا ز عشق آگه نبودی      قراری داشتی آخر به جای

او معتقد است قطع امید از جهانیان و ترک دلبستگی‌های مادی، نفس را خلع سلاح می‌کند و به پیروزی روح بر نفس میدان می‌دهد. این ترک علاقه بدان معنا نیست که هر چه داریم دور بریزیم. فقرگرایی مولانا از نوع فقری است که پیامبر ﷺ بدان فخر می‌کند، یعنی برای به دست آوردن دنیا دروغ نگوئیم، فریب ندهیم، کینه توزی نکنیم و با خودخواهی خود دیگران را نابود نکنیم، و الا مال و ثروت اگر ما را از خدا غافل نکند، مانند «آب در زیر کشتی است» که کشتی را به حرکت توانا می‌کند و به مقصد می‌رساند.

به نظر مولانا، همه چیز جلوه‌ای از وجود حق است، پس اصل هر ندایی، از



جانب حق است که تنها جان پیوسته به حق، آن را می‌شنود. او می‌گوید: این سروش آسمانی از طریق لب و دهان و گوش ظاهری به ما نمی‌رسد. گوش دل باید باز باشد. بنابراین سخن بر سر رابطه کل آفرینش و همه آفریدگان با حق است که هر یک به نسبت شایستگی و درجه کمال خود و از طریقی مناسب با خلقت خود می‌تواند امر پروردگار را بشنود. البته این رابطه، مستقیم و بی‌واسطه است. که از روز «الست» برقرار شده است: ﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ﴾؛ آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا، هستی (آیه ۱۷۲ سوره اعراف).

این نکته‌ها، و صدها نکته ظریف دیگر، نکاتی است که منشور جهان‌بینی مولانا در مثنوی را تشکیل می‌دهد. مولانا در مثنوی معنوی در صدد آموزه‌های علوم ظاهری کلاسیک و مدرسه‌ای نیست، بلکه او در صدد ارائه علوم باطنی که جان همه علوم محسوب می‌شود، می‌باشد. دعوت مولانا برای باریابی به محضر حضرت حق این است که:

هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست      ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟  
 ما برای دست‌یابی به اندیشه ناب مولانا که زاینده الهامات ربّانی است، دست به پژوهش و تحقیق زده‌ایم و به سبک شرح موضوعی مطالب مثنوی را تنظیم نموده‌ایم، تا برای علاقه‌مندان به این کتاب، که حقیقتاً صیقل ارواح است، بهتر قابل استفاده و بهره‌برداری باشد. نام این شرح را «سروش آسمانی» نهاده و در چهار مجلد تدوین نمودیم. در عین حال هر مجلدی به‌طور مستقل در برگزیده موضوعات متنوع می‌باشد. در پایان از خوانندگان ارجمند و دوستداران عرفان، استدعای آن داریم که با کرامت به لغزش‌ها نگریسته، چرا که «عُذْرُ زَلَاتٍ عِنْدَ كَرَامِ النَّاسِ مَقْبُولٌ».

بزرگان خورده بر خوردان نگیرند      به رحمت عُذْر ایشان در پذیرند